



عکس تزئینی است

بانوان خراسان به روایت مطبوعات قدیمی

ثبت وقایع و اتفاقات دردوره قاجار از طریق روزنامه‌ها، گزارش‌ها و تلگراف‌های نواحی مختلف ایران صورت گرفته است. بخشی از این وقایع و اتفاقات مربوط به زنان بوده است. ناامنی راه‌ها و سرقت از جمله مشکلات زائران در این دوره است. روزنامه وقایع اتفاقیه در ۲۹ رمضان ۱۲۶۹ به نحوه مسافرت زنان و محافظت از آن‌ها پرداخته و نوشته است: در یوم چهاردهم شهر شعبان المعظم، مادر زن عمدة الامراء العظام ظهیرالدوله با جمع کثیری از اهالی هرات وارد مشهد مقدس شده‌اند که به زیارت روضه متبرکه سرکار فیض آثار مشرف شوند و یک صد نفر شمشالچی هم به جهت محافظت تاراض اقدس همراه داشته است.

هم چنین موضوع شفا یافتگان در بیشتر روزنامه‌های دوره قاجار بازتاب دارد و در واقع، شفا دور از دید روزنامه‌نگاران نبوده است. روزنامه ایران در شماره ۱۰۱۸ به تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۳۲۰ ضمن اشاره به تلگرافی از مشهد، شفا یافتن زنی که با توسل به امام رضا(ع) شفا یافته را چنین منعکس کرده است: چند روز قبل راپورت تلگرافی از مشهد مقدس رسیده: زنی که تقریباً یک سال مبتلا به امراض مختلفه و سه ماه بود مفلوج شده بود، شب دوشنبه، دوازدهم ربیع الثانی، در خانه خود به حضرت ثامن الائمه(ع) متوسل شده، به خواب می‌رود و در خواب یکی از ائمه(ع) را می‌بیند که می‌فرماید: برخیز. وقتی از خواب بیدار شده می‌بیند هیچ مرضی از او باقی نمانده است. به منزل تولیت رفته، شرح حال خود را باز می‌گوید. معلوم می‌شود مشارالیه متعلقه یکی از فراشان آستانه مقدسه رضویه است. پس از تحقیق و ثبوت مطلب، به حکم تولیت، نقاره‌خانه را نواخته و صحن مطهر را چراغانی نموده‌اند.

نام آوران علمی خراسان

دکتر ماهرخ فلاحی دوران دبیرستان را در دبیرستان فروغ مشهد سپری کرد. او برای ادامه تحصیل به شهر کروالیس ایالت اروگان آمریکا سفر کرد و در رشته بیماری‌شناسی گیاهی و ژنتیکی مشغول به تحصیل شد. او با دریافت بورس تحصیلی، در دانشگاه ساتمفن انگلستان مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۵۶ به کسب مدرک دکتری نایل آمد. سپس به ایران بازگشت و در دانشگاه فردوسی مشهد شاگردان زیادی تربیت کرد.



اشک‌های زن شیک‌پوش



زهره‌رنگ آمیز
روزنامه‌نگار

«برای گرانی‌ها حقوقم را ۵۰۰ هزار تومان اضافه کردند. خدا خیرشان بدهد!»

به زن روبه‌رویی در مترو نگاه کردم. صلوات‌شمار صورتی‌رنگی مثل انگشتر حلقه دور انگشت اشاره‌اش بود و آرامش صورتش حس خوبی داشت. موهای سفیدش را با دست جمع کرد و ادامه داد: دو میلیون و ۵۰۰ تومان می‌شود، ولی من هم واقعا زحمت می‌کشم. همه کار انجام می‌دهم. قبلا کارم راحت‌تر بود. پرستار مادرشان بودم. خدا رحمتش کند. حاج خانم هوایم را داشت. بعد از فوت مادرشان، گفتند برای کار خونه بروم. زن بغل دستی‌اش هم مثل او صلوات‌شمار به دستش بود و ذکر می‌گفت اما جوان‌تر بود.

سری تکان داد که یعنی خوب است و گفت: من فقط بچه را نگه می‌دارم. برای کار خانه، هفته‌ای یک بار کارگر می‌آورند. بچه خوبی است اما مادرش خیلی حساس است و خیلی ادا و اطوار دارد.

زن جوان‌تر در ادامه گفت: شوهرش بی تفاوت و خون‌سرد است. خانمش دو هفته رفت مسافرت، بچه را سپرد به من. می‌گفت: ببرش خانه، نگه دار. شب برای خواب بیاور تحویل من بده!

روز آخر که خانمش می‌خواست برگردد، گفت: بیا خانه مواظب بچه باش تا کارگر تمیزکاری کند. وای! نمی‌دانی! خانه شهر شام بود. همین دو هفته کلا پارتی گرفته بود! من که جرئت نکردم به خانمش بگویم.

در حالی که دو کارگر زن غرق صحبت بودند، یکی از صندلی پشت صدایش را بلند کرد: مدیونی به زنش نگویی، مرد به خانمش خیانت کرده. خدا ازش نگذرد!

پرستار بچه آرام گفت: شما از ادا و اطوارهای خانم خبر ندارید. اگر هم آقا کاری کرده باشد، حقش است. دو هفته شوهر و بچه‌اش را رول کرده رفته! خانم شیک‌پوش ایستاده وسط راهرو اما عقیده‌ای متفاوت داشت: روزی می‌رسد که بچه‌شان بزرگ می‌شود، موهای زن سفید می‌شود، مرد بازنشسته می‌شود، مرد و زن هردو پخته‌تر می‌شوند و همه این‌ها شر و شورهای جوانی می‌گذرد. بعد با هم سفر مشترک می‌روند و خاطرات مشترکشان را مرور می‌کنند. زن بی‌خبر از شیطنت‌های جوانی مردش، به او افتخار می‌کند و عشق می‌ورزد. می‌داند بازنده واقعی کیست؟ زنی که نفر سوم بود، یواشکی وارد حریم آن‌ها شده بود، خیال خام برش داشته بود که روزی

اشک‌های زن خوش‌پوش سرازیر شد. سرش را پایین آورد و به پرستار بچه گفت: به زنش نگو. بگذار عاشق شوهرش بماند. دست کم یک زن کمتر شکسته می‌شود.

برحسب عادت گویگل را باز کردم و جست‌وجو کردم: اگر از خیانت باخبر شدیم چه کنیم؟

نوشته بود: در مدیریت شرایط بعد از خیانت سعی کنید قوی عمل کنید و با طی کردن فرایند صحیح، بهترین تصمیم را بگیرید.

شما به عنوان یک خانم خیانت‌دیده چه باید بکنید؟ باید بمانید یا بروید؟ در حقیقت، ماهیت سؤال این است که آیا بیخشم یا خیر. در پاسخ، باید عرض کنم شما زمانی حق بخشیدن خیانت را دارید که مطمئن شوید همسر شما آدم قبلی نیست. بنابراین اگر همسر شما سیستم حسی، احساسی، باورها، اعتقادات، تفکر و تصمیم‌گیری‌هایش هم چنان مشابه قبل است، احتمال تکرار خیانت وجود دارد.

در هر بار بخشش، فردی که قربانی خیانت شده است مسئولیتی پیدا می‌کند مبنی بر اینکه به سادگی و سهولت به موضوعات مطرح شده از طرف شریک عاطفی خود نگاه نکند. شاید اکنون برای شما این سؤال ایجاد شده باشد که: چطور بفهمیم فردی که خیانت کرده دوباره آن‌را تکرار نخواهد کرد. ابتدا باید ریشه خیانت مشخص شود و با توجه به آن، در شما و همسران تغییراتی به لحاظ رفتاری و روانی ایجاد شود.

در حقیقت، شما و همسران باید نزدیک مشاور بروید و پس از آنکه مشاور متوجه ریشه اصلی خیانت شد، با فرد خیانتکار جلسات درمانی را شروع کند و به شما به عنوان فردی که قربانی خیانت شده است توصیه‌هایی را به لحاظ رفتاری ارائه کند. تنها در این صورت است که احتمال خیانت به حداقل یا صفر می‌رسد.

اما پرسش اصلی شاید این باشد: اگر جای پرستار بچه بودیم چه می‌کردیم؟ شما چه می‌کردید؟



عکس تزئینی است



شهربانو

۲۷ شهریور ۱۴۰۱
شماره ۱۴۴۳

(۷)